

Attitudes of Teachers, Students and Parents Towards the Use of Academic Records in the Assessment of Candidates for Admission to Universities

Jalil Younesi^{1*}, Aso Mojtahedi², and Enayatollah Zamanpour³

1. *Corresponding author*, Department of Educational and Psychological Measurement, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: Younesi@atu.ac.ir
2. Ph.D. of Psychological Assessment and Measurement, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: asomojtahedi@gmail.com
3. Educational and Psychological Measurement Dept, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: zamanpour@atu.ac.ir

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received: 2024/05/14
Reviewed: 2024/08/02
Accepted: 2024/08/08
Published Online:
2024/11/05
Pages: 65-85

Keywords:
Educational records,
Nationwide entrance
exam,
Higher education,
Educational fairness,
Instrument development

Background and Objectives: This research was conducted with the aim of probing the attitude of teachers, students and parents, as well as examining the difference between the attitude of students and parents of public and private schools towards the use of educational records in evaluating candidates of universities. **Methods:** The research method was "mixed method" -instrument development model. The research method in the quantitative was descriptive. The population consisted of three sub-communities of teachers, families and students who were candidate of national matriculation exam of 1402-1403. Sampling of the qualitative part was based on a maximal variation. The sample was candidates of matriculation exam of 1402-1403, secondary school teachers, and parents with children who were candidates for the matriculation exam. The sample size of the qualitative part was 90 people and the data was collected from individual or group interviews. In the quantitative part, nearly 350 teachers, 600 parents and 6600 students completed the questionnaire. Students were randomly selected. Qualitative data gathering was done with standard interview and in the quantitative part with a researcher-made questionnaire. **Findings:** Quantitative findings showed that teachers believe that applying educational records can improve students' cognitive and learning abilities. parents and students had a negative attitude towards applying educational records; Parents believed that the application of educational records has caused the cost of families to increase, while the children's learning does not show much increase. **Conclusion:** The results of each of the three subgroups confirmed the positive and negative points in the application of educational records in university admission, which is necessary for decision-making managers to strengthen the positive points and the elimination of the weak points of the educational records should be done quickly.

Cite this Article: Younesi, J., Mojtahedi, A., & Zamanpour, E (2024). Attitudes of Teachers, Students and Parents Towards the Use of Academic Records in the Assessment of Candidates for Admission to Universities *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 10(18), 65-85. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.17546.1021>



© the authors
Publisher: Farhangian University





نگرش معلمان، دانش آموزان و والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها

جلیل یونسی^{۱*}، ناسو مجتهدی^۲، و عنایت‌اله زمانپور^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: younesi@atu.ac.ir

۲. دکتری رشته سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: asomojtahedi@gmail.com

۳. گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: zamanpour@atu.ac.ir

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

شماره صفحات: ۸۵-۶۵

پیشینه و اهداف: این پژوهش با هدف سنجش نگرش معلمان، دانش آموزان و والدین و همچنین بررسی تفاوت بین نگرش دانش آموزان و اولیا مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان دانشگاه‌ها صورت گرفت. **روش‌ها:** روش پژوهش «طرح اکتشافی متوالی» - مدل ساخت ابزار - بود. روش پژوهش در بخش کمی از نوع توصیفی بود. جامعه متشکل از سه زیرجامعه معلمان، خانواده‌ها و دانش آموزان ذی‌نفع در کنکور سراسری ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. نمونه‌گیری بخش کیفی به روش هدفمند مبتنی بر تنوع حداکثری بود. نمونه متقاضیان کنکور سراسری سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳، معلمان مقطع متوسطه دوم، دانش آموزان داوطلب شرکت در کنکور و والدین دارای فرزند داوطلب کنکور سراسری بودند. حجم نمونه کیفی به‌طور کلی ۹۰ نفر بود و داده‌های لازم از آن‌ها در قالب مصاحبه‌های فردی یا گروهی جمع‌آوری شد. در بخش کمی نزدیک به ۳۵۰ نفر از معلمان و ۶۰۰ نفر از والدین و ۶۶۰۰ نفر از دانش آموزان به پرسشنامه پاسخ دادند. دانش آموزان به صورت تصادفی طبقه‌ای غیرمتناسب انتخاب شدند. گردآوری داده‌های کیفی به کمک مصاحبه استاندارد و در مرحله کمی به کمک پرسشنامه محقق ساخته انجام شد. **یافته‌ها:** یافته‌های کمی نشان داد که معلمان بر این باورند اعمال سوابق تحصیلی می‌تواند توانایی‌های شناختی و یادگیری دانش آموزان را ارتقا دهد. به‌طور کلی والدین و دانش آموزان نسبت به اعمال سوابق تحصیلی نگرش منفی داشتند؛ والدین معتقد بودند که اعمال سوابق تحصیلی موجب شده است هزینه خانواده‌ها بیشتر شود، درعین حال که یادگیری فرزندان افزایش چندانی نشان نمی‌دهد. **نتیجه‌گیری:** نتایج هرکدام از سه زیرگروه مؤید نکات مثبت و منفی در اعمال سوابق تحصیلی در پذیرش دانشگاه بود که ضروری است مدیران تصمیم‌گیر نسبت به تقویت نکات مثبت و برطرف کردن نقاط ضعف سوابق تحصیلی به‌سرعت اقدام کنند.

واژه‌های کلیدی:

سوابق تحصیلی،
کنکور سراسری،
آموزش عالی،
عدالت آموزشی،
ساخت ابزار

Homepage: <https://itt.cfu.ac.ir/>



استناد به این مقاله: یونسی، جلیل، مجتهدی، ناسو، و زمانپور، عنایت‌اله. (۱۴۰۳). نگرش معلمان، دانش آموزان و والدین نسبت به

استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۱۸(۱)، ۶۵-۸۵.

<https://doi.org/10.48310/itt.2024.17546.1021>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

نظام آموزش عالی اصلی ترین منبع تأمین نیروی متخصص و مورد نیاز کشور قلمداد می شود و به عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت ها و دولت ها است (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳). هر کشور، تنها با داشتن یک نظام آموزش عالی کارا و به یاری دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و فارغ التحصیلان کارآموده، مجرب و متخصص خود می تواند در جهت بررسی و تفحص در ناشناخته ها قدم برداشته و از نتایج اختراعات و اکتشافات استفاده نماید. در کشورهای در حال توسعه که نیازها با سرعت و شدت قابل توجهی تغییر می کند، کمبود نیروی انسانی متخصص به صورت تنگنایی در مسیر رشد اقتصادی قرار می گیرد و مسائل پیچیده ای را در بازار کار به وجود می آورد. برای رفع این تنگنا باید گزینش دانشجو و برنامه های نظام آموزشی به اندازه کافی حساب شده و دقیق باشند تا بتوانند نظام آموزش عالی را بر اساس احتیاجات جامعه به نیروی انسانی متخصص تنظیم کنند (مجتهدی، ۱۳۷۳).

در بسیاری از کشورها، به دلیل عدم توازن میان عرضه و تقاضای آموزش عالی و سازوکارهایی برای انتخاب برگزیدگان از میان متقاضیان در نظر گرفته می شود. بدون شک وجود سازوکارهایی که موجب می شود، کسانی که از توانایی بیشتر برخوردارند، به عرصه آموزش عالی راه یابند، تا زمانی که میان عرضه و تقاضا تعادل برقرار شود، امری ضروری است (جاودانی، ۱۳۸۶). یکی از مسائل بحث انگیز جامعه، پذیرش دانشجو برای تحصیلات عالی است. با توجه به تمایل شدید داوطلبان برای ورود به دانشگاه ها و رشته های معتبر نظیر پزشکی، محدودیت ظرفیت مراکز آموزشی معتبر، وجود مشکلات متعدد در راه تحصیل برای خارج از کشور، کمبود مراکز آموزش فنی و حرفه ای برای مهارت های شغلی دانش آموزان در دوران تحصیلات متوسطه، مشکل بیکاری دانش آموختگان و ... در مجموع موجب ایجاد نابسامانی هایی در زندگی قشر عظیمی از جوانان کشور شده است. در ایران گزینش دانشجو و نحوه انتخاب دانشجویانی که بتوانند در آینده چرخ های عظیم پیشرفت و ترقی جامعه را بگردانند همچنان مطرح و مورد نظر است. در این رابطه مسئولان و دست اندرکاران امر آموزش عالی می کوشند تا با انتخاب شیوه های مناسب به گزینش هر چه بیشتر دانشجویان مستعد اقدام نمایند، اما وجود پاره ای از مسائل میان ارگان های دست اندرکار این خواسته را دستخوش تغییرات متناوب ساخته و داوطلبان ورود به دانشگاه ها را دچار سردرگمی و مشکلات گوناگون می سازد (عرب مازار، ۱۳۷۱).

روش های جذب و راهیابی داوطلبان به دانشگاه و آموزش عالی در سال های گذشته تغییرات و دگرگونی هایی داشته است. در سال ۱۳۸۶ طرح حذف کنکور سراسری و جایگزینی سوابق تحصیلی در ورود داوطلبان به دانشگاه مطرح و در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این طرح به عنوان چاره ای برای رفع مشکلات کنکور سراسری ارائه شده است، در صورتی که نتواند آن مشکلات را حل کند ممکن است مشکلات دیگری را برای دانش آموزان و خانواده آنان و نظام آموزشی کشور دامن زند که خود تبعات و آثار سوء و جبران ناپذیری را به دنبال دارد. طرح حذف کنکور که قرار بود از سال ۱۳۹۰ اجرایی شود، به دلایل عملی اجرایی نشد و در سال ۱۳۹۲ مورد بازنگری قرار گرفت (یوسف زاده و دیگران، ۱۳۹۲، نقل از صادقی و دیگران، ۱۳۹۸). سهم نمره کل سابقه تحصیلی برای پذیرش در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ با توجه به سابقه تحصیلی موجود و مرتبط، ۴۰ درصد با تأثیر مثبت و در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، ۴۰ درصد با تأثیر قطعی و مابقی سهم آزمون اختصاصی بود. سهم نمره کل سابقه تحصیلی برای پذیرش در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ با توجه به سابقه تحصیلی موجود و مرتبط، ۵۰ درصد و در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴، ۶۰ درصد با تأثیر قطعی در نمره کل نهایی و مابقی سهم آزمون اختصاصی خواهد بود (فریدونی، ۱۴۰۲).

نتایج تحلیل ها و آمارهای مستند نشان می دهد بیشترین رقابت و مسائل کنکور تنها مربوط به ۱۵ درصد ظرفیت دانشگاه هاست که حاوی رشته ها و رشته محل های پرمقاصی هستند و عملاً سوابق تحصیلی از سال ۱۴۰۲ نقش مؤثری در پذیرش این رشته ها دارد چراکه تأثیر سوابق تحصیلی از این سال به صورت قطعی اعمال شده است. این موضوع واکنش های شدید تعداد زیادی از والدین و دانش آموزان را در پی داشته و خانواده ها نسبت به اعمال تأثیر قطعی و روند برگزاری آزمون های نهایی و نحوه تولید سوابق تحصیلی ابزار نگرانی کرده اند. در این بین برخی از معلمان مدارس و

دست‌اندرکاران آموزش و پرورش هم حامی حذف سوابق تحصیلی با تأثیر قطعی شده‌اند. به همین جهت، این پژوهش با هدف بررسی و سنجش نگرش معلمان، دانش‌آموزان و والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی انجام شد. همچنین این پژوهش با هدف بررسی تفاوت بین نگرش دانش‌آموزان و اولیا مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی صورت گرفت. با توجه به اهداف بیان‌شده سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

- نگرش معلمان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی چیست؟
 - نگرش والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی چیست؟
 - نگرش دانش‌آموزان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی چیست؟
- آیا بین نگرش دانش‌آموزان و اولیا مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی تفاوتی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

موسوی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو با تمرکز بر آزمون سراسری در ایران، نشان دادند که چالش‌های نظام سنجش و پذیرش را می‌توان در سطوح پنج‌گانه دسته‌بندی نمود: چالش‌های نظام آموزش و پرورش مرتبط با آزمون سراسری، چالش‌های مرتبط با خود آزمون، چالش‌های مرتبط با محیط اطراف کنکور، چالش‌های مرتبط با پذیرش و چالش‌های راهبردی و کلان. قنبری و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو برای مقطع کارشناسی نشان دادند که از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی، سیستم گزینش دانشجو از جهت عدالت رویه‌ای در وضعیت مناسبی قرار ندارد و میان نگرش دانشجویان و اعضای هیئت علمی در رابطه با میزان تحقق عدالت رویه‌ای در سیستم گزینش دانشجو اختلاف معنی‌داری وجود داشت. یافته‌های پژوهش سلیمی و پاسالاری (۱۳۹۶) نشان داد که: ۱) شرکت در کلاس‌های کنکور رابطه ضعیفی با موفقیت در کنکور دارد؛ ۲) وضعیت اجتماعی - خانوادگی و آموزشی دانش‌آموختگان با موفقیت آنان در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه دارند؛ ۳) نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که به ترتیب، مدت‌زمان مطالعه، عملکرد تحصیلی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان، درآمد خانواده، سبک مطالعه و وضعیت خانوادگی بیشترین تأثیر را برای موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه‌ها دارند. لئو و همکاران (Liu et al., 2019)، در پژوهشی نشان دادند که جو مدرسه و محیط خانه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد. دانش‌آموزان می‌دانستند که مدارسی که در آن‌ها تحصیل می‌کنند، مانند مدارسی که هم سالان مرفه‌ترشان تحصیل می‌کنند، شهرت بالایی ندارد و احساس می‌کردند که معلمان‌شان آشکارا علیه آن‌ها تبعیض قائل می‌شوند. شرکت‌کنندگان در پژوهش چیراک (Çirak, 2016) در مورد کنکور دانشگاه اظهار داشتند که ترس، ناامیدی، نگرانی، درماندگی و وحشت را تجربه کرده‌اند. برخی از آن‌ها امتحانات را یک موضوع همه‌یامیچ می‌دانستند و احساس می‌کردند که انتظارات خانواده از آن‌ها بار جدی بر دوش آن‌ها ایجاد می‌کند. آن‌ها امتحانات ورودی دانشگاه را با موجودات زنده، اشیای شخصیت‌هایی مانند «سگ»، «کاکتوس» یا «حشره» مرتبط کردند و درنهایت، امتحان را به‌عنوان «دری» که به آینده آن‌ها باز می‌شود، یک فرصت می‌دانستند.

روش

پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد روش‌های ترکیبی^۱ انجام شد که مستلزم گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی و کمی در یک مطالعه است (Creswell et al., 2003). نظر به لزوم انجام پژوهش به روش کیفی قبل از روش کمی برای کاوش

سازه ها و ارتباط بین آن‌ها، در این پژوهش از «طرح اکتشافی متوالی»^۱ - مدل ساخت ابزار^۲ - به عنوان یکی از راهبردهای پژوهش در روش‌های ترکیبی استفاده شد (Creswell et al., 2003). پژوهش حاضر در بخش کمی از نوع تو صیفی زمینه یابی است. تحقیق تو صیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها تو صیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و اجرای این گونه تحقیق‌ها می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد (دلاور، ۱۳۹۳).

با توجه به ماهیت و اهداف این پژوهش، می‌بایست نظرات افراد ذی‌ربط، و ذی‌نفع در موضوع چرایی و چگونگی سوابق تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه لحاظ می‌شد. از این رو پژوهشگر با زیرجامعه‌های معلمان مدارس، خانواده‌ها و دانش‌آموزان ذی‌نفع در کنکور سراسری روبه‌رو بود. سه گروه نمونه اصلی شامل دانش‌آموزان، والدین و معلمان، همگن بودند؛ نقطه مشترک این سه زیرجامعه، آزمون کنکور سراسری از یک سو و از سوی دیگر تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش است. بدین منظور متقاضیان کنکور سراسری سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ (زیرجامعه دانش‌آموزان)، معلمان مقطع متوسطه دوم به دلیل تأثیر دروس سه پایه آخر تحصیلی در ساخت سابقه تحصیلی و والدین دارای فرزند داوطلب آزمون کنکور سراسری بود. در جامعه مورد مطالعه در هر دو بخش کیفی و کمی پژوهش، شامل این سه گروه بودند.

نمونه‌گیری در بخش کیفی از نوع هدفمند مبتنی بر تنوع حداکثری^۳ بود و نمونه‌ها به نحوی انتخاب شد که از گروه‌های مورد اشاره در نمونه پژوهش حضور داشته باشند. هدف نمونه‌گیری مبتنی بر تنوع حداکثری، توصیف دیدگاه‌های متفاوت در مورد پدیده مرکزی پژوهش است (Plano Clark & Creswell, 2015). ترجمه وفاپی زاده، ۱۳۹۹). در مرحله کیفی، نمونه‌گیری از هر کدام از زیرگروه‌ها هدفمند^۴ (Gall et al., 1996)، ترجمه نصر اصفهانی، ۱۳۸۶) و غیر تصادفی بود. شرکت‌کنندگان از بین ۳ گروه انتخاب شدند: ۱) دانش‌آموزان متقاضی شرکت در کنکور؛ ۲) والدین دانش‌آموزان متقاضی شرکت در کنکور و ۳) معلمان مدارس دولتی و غیردولتی. در مرحله کیفی حجم نمونه خاصی برای هر کدام از زیرگروه‌ها توصیه نشده است و تنها عاملی که به مصاحبه‌ها پایان می‌دهد/شباع^۵ نظری و کفایت یافته‌ها است (Strauss & Corbin, 1998، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین روش نمونه‌گیری مرحله کیفی به روش غیر تصادفی و حجم نمونه تابعی از اشباع بود که به‌طور کلی ۹۰ نفر انتخاب و مصاحبه شدند. به بیان دقیق‌تر، بر اساس زیرجامعه‌ها حجم نمونه در بخش کیفی، مجموعاً برابر ۹۰ نفر بود که ۲۵ نفر از دانش‌آموزان، ۲۵ نفر از والدین، ۴۰ نفر از معلمان مدارس دولتی و غیردولتی انتخاب و داده‌های لازم از آن‌ها در قالب مصاحبه‌های فردی یا گروهی جمع‌آوری شد.

در مرحله کمی، برای اطمینان حاصل کردن از پیش‌فرض‌های تحلیل‌های آماری نزدیک به ۳۵۰ نفر از جامعه معلمان و ۶۰۰ نفر از جامعه والدین به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش نگرش معلمان از اطلاعاتی که دبیرخانه ملی سنجش و راهبران سنجش آموزش و پرورش در اختیار محقق گذاشت استفاده شد. به همین منظور اطلاعات ۳۵۰ نفر از معلمان که نسبت به حوزه سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی علاقه‌مندی بیشتری داشتند به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه بر روی آن‌ها اجرا شد. علاوه بر این، ۶۰۰ نفر از والدین در استان‌های کشور انتخاب و پرسشنامه بر روی آن‌ها اجرا شد. برای سنجش نگرش دانش‌آموزان با توجه به وسعت جامعه پژوهش، هدف بر جمع‌آوری اطلاعات از تمامی استان‌های کشور بود، و به‌واسطه هماهنگی با مرکز تضمین کیفیت و ارزشیابی آموزش و پرورش پرسشنامه در اختیار دانش‌آموزان حائز شرایط قرار گرفت. روش نمونه‌گیری از دانش‌آموزان به‌صورت تصادفی طبقه‌ای غیرمتناسب بود. نکته قابل‌ذکر آنکه با توجه به پوشش جمعیتی کشور به‌غیر از استان تهران، سایر استان‌ها در سه طبقه جمعیتی (جمعیت بالا، جمعیت متوسط و جمعیت کم) دسته‌بندی شدند. استان‌های با جمعیت بالا ۸ استان بود که سعی بر این بود از هر کدام ۳۰۰ نمونه، استان‌های با جمعیت متوسط ۱۰ استان بودند که از هر استان ۲۰۰ نفر و از استان‌های با جمعیت

1. The Exploratory Sequential Design
2. Instrument Development Model
3. maximal variation sampling
4. purposeful sampling
5. Saturation

کم که ۱۲ استان طبقه‌بندی شد از هر استان ۱۰۰ نفر نمونه انتخاب شد. در استان تهران هم به دلیل جمعیت بسیار بالا، ۱۰۰۰ نفر نمونه در نظر گرفته شد؛ بنابراین حجم نمونه موردنظر برابر ۶۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. از کل ۶۶۰۰ پرسشنامه تکمیل‌شده در کلیه استان‌ها تعداد ۶۴۸۰ پرسشنامه معتبر به دست آمد.

گردآوری داده‌های جمع‌آوری‌شده در مرحله کیفی به کمک مصاحبه استاندارد با سؤال‌های باز پاسخ در بستر جامعه مورد اشاره انجام شد. در مرحله کمی، بر مبنای نتایج تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از دستورالعمل طراحی پرسشنامه در پژوهش‌های زمینه‌یابی (یونسی، ۱۴۰۲؛ Bradburn et al., 2004) پرسشنامه لازم برای گردآوری داده‌ها در حجمی وسیع‌تر و با استفاده از نظریه کلاسیک طراحی شد. به‌منظور تناسب هرچه بیشتر گویه‌های پرسشنامه با یافته‌های مرحله کیفی و درک بهتر آن‌ها توسط شرکت‌کنندگان اکثر گویه‌ها به‌صورت مستقیم از متن مصاحبه‌های پیاده شده، استخراج شد. با توجه به اینکه سه زیر جامعه در پژوهش حاضر وجود داشت، متن سؤالات متناسب با معلمان، والدین و دانش‌آموزان نوشته شد. به‌منظور حصول روایی محتوا و روایی صوری ابزار اندازه‌گیری پیش از اجرا، نظر کارشناسان و محققان مربوطه نسبت به معتبر بودن سؤالات پرسشنامه موردبررسی قرار گرفت (چند تن از کارشناسانی که در مرحله نخست با آن‌ها مصاحبه شده بود، محتوا و سؤال‌های پرسشنامه را بررسی کردند) و درعین حال این فرایند تا حدی ادامه یافت تا محقق به پایایی و روایی موردنظر دست پیدا کرد. درعین حال ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرانباخ برابر ۰/۹۲ محاسبه شد و سؤالات پرسشنامه قبل از اجرا روی نمونه اصلی تحقیق، طی یک مطالعه مقدماتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و این فرایند نیز به‌منظور دستیابی به پایایی از پیش تعیین‌شده ادامه پیدا کرد.

یافته‌ها

توزیع فراوانی معلمان، والدین و دانش‌آموزان برحسب متغیرهای جمعیت شناختی مختلف به ترتیب در جدول‌های ۱. تا ۳. گزارش شده است:

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصدی معلمان برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	سطح متغیر	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	مرد	۱۰۸	۳۹/۱
	زن	۱۶۸	۶۰/۹
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۳۶	۱۳/۰
	کارشناسی ارشد	۱۸۴	۶۶/۷
	دکتری	۵۶	۲۰/۳
سواد سنجش	کم	۲۸	۱۰/۱
	متوسط	۱۵۶	۵۶/۶
	زیاد	۹۲	۳۳/۳

معلمان نیمی از استان‌های کشور به پرسشنامه پاسخ دادند که بیشترین درصد مربوط به استان تهران (۱۸/۱ درصد) و کمترین درصد مربوط به استان بوشهر (۳/۶ درصد) بود.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی والدین برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	سطح متغیر	فراوانی	درصد معتبر	متغیر	سطح متغیر	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	پدر	۱۸۸	۴۰/۳	میزان درآمد خانواده	کمتر از ۱۰ میلیون تومان	۹۵	۲۰/۳
	مادر	۲۷۹	۵۹/۷		۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان	۱۵۵	۳۳/۲
نوع مدرسه فرزند	دولتی	۲۷۷	۵۹/۳	بیش از ۵۰ میلیون تومان	۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان	۱۲۴	۲۶/۶
	غیردولتی	۱۹۰	۴۰/۷		۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان	۶۲	۱۳/۳
نوع محل سکونت	استیجاری	۱۹۳	۴۱/۳	شغل	شاغل	۳۱	۶/۶
	شخصی	۲۲۵	۴۸/۲		بیکار	۱۲۸	۲۷/۴
	سازمانی	۴۹	۱۰/۵		بدون پاسخ	۱۲	۲/۶

خانواده‌های تمامی استان‌های کشور به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند و از این بین بیشترین درصد مربوط به استان تهران (۱۲/۸۵ درصد) بود.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی دانش‌آموزان برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	سطح متغیر	فراوانی	درصد معتبر	متغیر	سطح متغیر	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	پسر	۲۶۱۰	۴۰/۳	نوع مدرسه	دولتی	۳۵۳۵	۵۴/۶
	دختر	۳۸۷۰	۵۹/۷		غیردولتی	۲۹۴۵	۴۵/۴

دانش‌آموزان تمامی استان‌های کشور به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند و از این بین بیشترین درصد مربوط به استان تهران (۱۵/۱۰ درصد) بود.

جهت سنجش نگرش معلمان مدارس نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی، با نمونه‌ای از معلمان به صورت فردی مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. پس از تحلیل مصاحبه‌ها و شناسایی مضامین اولیه، آن‌هایی که به لحاظ ماهیت و مفهوم از یک جنس و مجموعه بودند، در یک طبقه قرار گرفتند و هر طبقه متناسب با مفهوم کدهای آن و همچنین با استفاده از پیشینه موجود در این حوزه نام‌گذاری شدند. نهایتاً چهار مضمون ثانویه از تحلیل کیفی حاصل شد که در جدول ۴. فهرست شده‌اند.

جدول ۴. مضامین اولیه و ثانویه نگرش معلمان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها

مضامین ثانویه	مضامین اولیه	
پیامدهای منفی استفاده از سوابق تحصیلی	بالارفتن اضطراب	رقابت منفی
	فشار اقتصادی	
بهبود فرایند یاددهی - یادگیری	بهبود روش تدریس	تغییر روش‌های سنجش کلاسی
	ارتقای کیفیت یادگیری	
برقراری عدالت آموزشی	برقراری عدالت تحصیلی	بالارفتن نسبت قبولی در مدارس دولتی
قابل‌اتکا بودن سوابق تحصیلی	تفکیک علمی دانش‌آموزان	بالارفتن اعتبار نمره امتحان

پس از تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه به منظور بررسی دقیق‌تر نگرش معلمان در نمونه‌ای بزرگ‌تر از افراد، پرسشنامه‌ای با ۴. مؤلفه اجتماعی - فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، شناختی و پرورشی - تربیتی برای سنجش نگرش معلمان طراحی شد. به منظور پاسخ به این سؤال که «معلمان مدارس نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی چه نگرشی دارند؟» آزمون معناداری عامل‌های پرسشنامه نگرش معلمان نسبت به تأثیر سوابق تحصیلی در نمره کنکور و پذیرش دانشگاه‌ها با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای انجام شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای معناداری سؤالات و عامل‌های پرسشنامه نگرش معلمان نسبت به تأثیر سوابق تحصیلی در نمره کنکور و پذیرش دانشگاه‌ها

مؤلفه‌ها و نمره کل	N	μ	$\bar{X}$	S_X	$S_{\bar{X}}$	t	df	Sig.
اجتماعی - فرهنگی	۲۷۵	۲/۵	۲/۹۵	۰/۶۰۰	۰/۰۳۶	۱۲/۴۵	۲۷۵	۰/۰۰۱
اجتماعی - اقتصادی	۲۷۵	۲/۵	۲/۸۳	۰/۴۹۶	۰/۰۳۰	۱۰/۹۳	۲۷۵	۰/۰۰۱
شناختی	۲۷۵	۲/۵	۳/۱۳	۰/۵۷۳	۰/۰۳۴	۱۸/۲۱	۲۷۵	۰/۰۰۱
پرورشی - تربیتی	۲۷۵	۲/۵	۲/۷۵	۰/۷۹۱	۰/۰۴۸	۵/۳۳	۲۷۵	۰/۰۰۱
نمره کل نگرش	۲۷۵	۲/۵	۲/۹۱	۰/۴۳۸	۰/۰۲۶	۱۵/۷۳	۲۷۵	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج، بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه «شناختی» و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه «پرورشی - تربیتی» است؛ یعنی معلمان بر این باورند که اعمال سوابق تحصیلی می‌تواند توانایی‌های شناختی و یادگیری دانش‌آموزان را ارتقا دهد، ولی این شیوه کمترین اثر را بر وضعیت پرورشی - تربیتی دانش‌آموزان دارد. همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، نمرات پاسخ‌دهندگان در هرکدام از سؤالات با نمره مرجع (ثابت) ۲/۵ مقایسه شده است. انتخاب عدد ۲/۵ بر مبنای میانگین مقیاس ۱-۴ بوده است و عدد ۲/۵ میانگین این طیف محسوب می‌شود. بر اساس نتایج، تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین میانگین واقعی و میزان مفروض تمام مؤلفه‌ها وجود دارد و با توجه به اینکه میانگین واقعی از میانگین مفروض بالاتر است می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بر مبنای نظر معلمان، نگرش آن‌ها نسبت به اعمال سوابق تحصیلی به‌طور معناداری مثبت است و آن‌ها این رویکرد را در تشکیل نمره نهایی کنکور مناسب می‌دانند. همچنین تحلیل‌های تکمیلی نشان داد اثر متغیر جنسیت ($F=۴/۶۴$ و $P<۰/۰۵$) و همچنین اثر تعامل جنسیت و مؤلفه‌ها ($F=۷/۹۶$ و $P<۰/۰۱$) معنادار است. بر اساس آزمون t استودنت مستقل، تفاوت معلمان مرد و زن در نمره کل معنادار است و این بدان معناست که معلمان مرد نسبت به معلمان زن به‌طور معناداری نگرش مثبت‌تری نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در نمره کنکور دانش‌آموزان دارند.

به‌منظور سنجش نگرش والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی، با والدین مصاحبه شد و سؤالاتی در رابطه با نگرش آن‌ها نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجویان مطرح شد. پس از تحلیل مصاحبه‌ها هفت مضمون اولیه و ۳ مضمون ثانویه از تحلیل کیفی حاصل شد که در جدول ۶ فهرست شده‌اند.

جدول ۶. مضامین اولیه و ثانویه نگرش معلمان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها

مضامین ثانویه	مضامین اولیه
پیامدهای منفی استفاده از سوابق تحصیلی	فشار اقتصادی
برقراری عدالت آموزشی	ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان مناطق محروم
بهبود یادگیری	یادگیری عمیق مطالب درسی
	بهادادن به تمام دروس
	مشخص‌شدن نقاط ضعف
	امکان قبولی در دانشگاه با تلاش و مطالعه
	فشار روانی

به‌منظور پاسخ به این سؤال پژوهش که «نگرش والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی چیست؟» آزمون معناداری عامل‌های پرسشنامه نگرش معلمان نسبت به تأثیر سوابق تحصیلی در نمره کنکور و پذیرش دانشگاه‌ها با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای انجام شد که نتایج آن در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای معناداری سؤالات و عامل‌های پرسشنامه نگرش والدین نسبت به تأثیر سوابق تحصیلی در نمره کنکور و پذیرش دانشگاه‌ها

مؤلفه‌ها و نمره کل	N	μ	$\bar{X}$	S_x	$S_{\bar{x}}$	t	df	Sig.
اجتماعی - فرهنگی	۴۶۷	۲/۵	۲/۱۸	۰/۳۵۱	۰/۰۱۶	-۱۹/۷۰	۴۶۶	۰/۰۰۱
اجتماعی - اقتصادی	۴۶۷	۲/۵	۲/۶۱	۰/۲۷۶	۰/۰۱۳	۸/۷۰	۴۶۶	۰/۰۰۱
شناختی	۴۶۷	۲/۵	۲/۷۴	۰/۴۰۸	۰/۰۱۹	۱۲/۷۲	۴۶۶	۰/۰۰۱
پرورشی - تربیتی	۴۶۷	۲/۵	۱/۹۱	۰/۵۰۴	۰/۰۲۳	-۲۵/۱۶	۴۶۶	۰/۰۰۱
نمره کل نگرش	۴۶۷	۲/۵	۲/۳۶	۰/۲۵۷	۰/۰۱۲	-۱۱/۷۰	۴۶۶	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه‌های شناختی و اجتماعی - اقتصادی و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه پرورشی - تربیتی بوده و نمرات پاسخ‌دهندگان در هر کدام از سؤالات با نمره مرجع (ثابت) ۲/۵ مقایسه شده است. انتخاب عدد ۲/۵ بر مبنای میانگین مقیاس ۴-۱ بوده است و عدد ۲/۵ میانگین این طیف محسوب می‌شود. بر اساس نتایج، تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین میانگین واقعی و میزان مفروض عامل‌ها وجود دارد. همچنین به‌طور کلی نتایج تحلیل بر اساس جنسیت والدین نشان داد تفاوت دو گروه در نمره کل معنادار است و این بدان معناست که مادران نسبت به پدران به‌طور معناداری نگرش منفی‌تری نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در نمره کنکور دانش‌آموزان دارند. همچنین بر اساس نتایج، بین نگرش والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در نمره کنکور بر اساس هیچ‌کدام از متغیرهای جمعیت‌شناختی سطح تحصیلات، نوع مدرسه فرزندان، هزینه خانوار، وضعیت اشتغال و نوع سکونت خانواده در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری وجود ندارد. جهت سنجش نگرش دانش‌آموزان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی با نمونه‌ای از دانش‌آموزان به‌صورت فردی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. در نهایت شش مضمون اولیه و سه مضمون ثانویه از تحلیل کیفی استخراج شد که در جدول ۸. فهرست شده‌اند.

جدول ۸. مضامین اولیه و ثانویه نگرش دانش‌آموزان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها

مضامین ثانویه	مضامین اولیه
فشار اقتصادی مضاعف	هزینه آمادگی برای امتحان نهایی
فشار روانی	بالارفتن اضطراب خانواده
تبعیض آموزشی	مدارس دولتی
	هزینه آمادگی برای کنکور
	بالارفتن اضطراب دانش‌آموز
	عدم برقراری عدالت تحصیلی

به‌منظور پاسخ به این سؤال پژوهش که «نگرش دانش‌آموزان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی چیست؟» آزمون معناداری عامل‌های پرسشنامه نگرش معلمان نسبت به تأثیر سوابق تحصیلی در نمره کنکور و پذیرش دانشگاه‌ها با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای انجام شد که نتایج آن در جدول ۹. گزارش شده است.

جدول ۹. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای معناداری سؤالات و عامل‌های پرسشنامه نگرش دانش‌آموزان نسبت به تأثیر سوابق تحصیلی در نمره کنکور و پذیرش دانشگاه‌ها

مؤلفه‌ها و نمره کل	N	μ	$\bar{X}$	S_x	$S_{\bar{x}}$	t	df	Sig.
یادگیری شناختی	۶۴۸۰	۲/۵	۲/۶۹	۰/۳۱۸	۰/۰۰۴	۴۸/۸۵	۶۴۷۹	۰/۰۰۱
اجتماعی	۶۴۸۰	۲/۵	۲/۰۲	۰/۳۷۵	۰/۰۰۵	-۸۴/۶۴	۶۴۷۹	۰/۰۰۱
فرهنگی	۶۴۸۰	۲/۵	۲/۳۶	۰/۴۳۱	۰/۰۰۵	-۲۶/۶۱	۶۴۷۹	۰/۰۰۱
اقتصادی	۶۴۸۰	۲/۵	۳/۳۰	۰/۵۱۸	۰/۰۰۶	۱۲۴/۰۶	۶۴۷۹	۰/۰۰۱
پرورشی - تربیتی	۶۴۸۰	۲/۵	۲/۰۱	۰/۴۱۰	۰/۰۰۵	-۹۵/۴۲	۶۴۷۹	۰/۰۰۱
نمره کل نگرش	۶۴۸۰	۲/۵	۲/۴۹	۰/۲۵۲	۰/۰۰۳	-۱/۹۸	۶۴۷۹	۰/۰۴۸

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها و نمره کل نگرش دانش‌آموزان تفاوت معناداری با میانگین مفروض ۲/۵ دارند. در مؤلفه یادگیری شناختی، و اقتصادی نگرش دانش‌آموزان مثبت‌تر و در مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و پرورشی تربیتی نگرش آن‌ها منفی‌تر گزارش شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزان به‌طور معناداری گزارش کرده‌اند که برگزاری آزمون‌های نهایی و اعمال سوابق تحصیلی با این شیوه به‌شدت به خانواده‌ها فشار اقتصادی وارد کرده است و از طرفی بر این باورند که این شیوه به‌طور معناداری تأثیر چندانی در تقویت ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی و پرورشی - تربیتی ندارد. همچنین تحلیل‌های تکمیلی نشان داد اثر متغیر جنسیت دانش‌آموزان ($F=130/6$ و $P<0/05$) و همچنین اثر تعامل جنسیت و مؤلفه‌ها ($F=85/1$ و $P<0/01$) معنادار است. بر اساس آزمون t استودنت مستقل، در تمامی مؤلفه‌ها و حتی در نمره کل نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعمال سوابق تحصیلی تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر کنکوری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموز دختر به‌طور معنادار نگرش منفی‌تری نسبت به شیوه جدید برگزاری کنکور و اعمال سوابق تحصیلی از طریق برگزاری آزمون‌های نهایی و اعمال تأثیر قطعی سوابق در نمره نهایی کنکور دارند.

جهت بررسی تفاوت در نگرش دانش‌آموزان و معلمان مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی با استفاده از تحلیل واریانس به آزمون تفاوت مؤلفه‌ها بر اساس نوع مدرسه دانش‌آموزان پرداخته شد که نتایج آن در جدول ۱۰ گزارش شده است.

جدول ۱۰. آزمون اثر تعاملی نوع مدرسه و مؤلفه‌های پرسشنامه نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوابق تحصیلی

اثر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت F	سطح معناداری	اندازه اثر
عرض از مبدأ	۱۹۹۷۱۹/۶	۱	۱۹۹۷۱۹/۶	۶۳۱۲۵۰/۹	۰/۰۱	۰/۹۹
نوع مدرسه	۱/۸	۱	۱/۸	۵/۸	۰/۰۲	۰/۰۱
خطا	۲۰۴۹/۶	۶۴۷۸	۰/۳			
مؤلفه‌ها	۶۹۸۲/۲	۴	۱۷۴۵/۶	۱۲۷۶۰/۴	۰/۰۱	۰/۶۶
تعامل مؤلفه‌ها و نوع مدرسه	۱/۱	۴	۰/۳	۲/۰	۰/۰۹	۰/۰۰
خطا	۳۵۴۴/۶	۲۵۹۱۲	۰/۱			

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد اثر متغیر نوع مدرسه ($F=5/8$ و $P<0/05$) معنادار است. در جدول ۱۱ آزمون تعقیبی t استودنت مستقل گزارش شده است.

جدول ۱۱. آزمون تعقیبی تفاوت مؤلفه‌های پرسشنامه نگرش دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیردولتی

نسبت به سوابق تحصیلی

مؤلفه‌ها و نمره کل	میانگین غیردولتی	میانگین دولتی	تعداد غیردولتی	تعداد دولتی	انحراف استاندارد غیردولتی	انحراف استاندارد دولتی	درجه آزادی	سطح معناداری
یادگیری	۲/۶۸	۲/۷۰	۲۹۴۵	۳۵۳۵	۰/۳۴	۰/۳۰	۲/۰۹	۰/۰۳۷
شناختی	۲/۰۹	۲/۱۲	۲۹۴۵	۳۵۳۵	۰/۳۹	۰/۳۶	۳/۰۵	۰/۰۰۲
اجتماعی	۲/۳۶	۲/۳۵	۲۹۴۵	۳۵۳۵	۰/۴۴	۰/۴۲	۰/۶۱	۰/۵۴۳
فرهنگی	۳/۲۹	۳/۳۱	۲۹۴۵	۳۵۳۵	۰/۵۲	۰/۵۲	۱/۶۳	۰/۱۰۳
اقتصادی	۲/۰۱	۲/۰۲	۲۹۴۵	۳۵۳۵	۰/۴۲	۰/۴۰	۱/۵۴	۰/۱۲۴
پرورشی - تربیتی	۲/۴۹	۲/۵۰	۲۹۴۵	۳۵۳۵	۰/۲۶	۰/۲۴	۲/۴۰	۰/۰۱۶
نمره کل نگرش								

بر اساس جدول بالا، نتایج نشان می‌دهد که در مؤلفه‌های یادگیری شناختی، اجتماعی و در نمره کل نگرش

دانش‌آموزان نسبت به اعمال سوابق تحصیلی تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و مدارس غیردولتی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به‌طور معنادار نگرش منفی‌تری نسبت به شیوه جدید برگزاری کنکور و اعمال سوابق تحصیلی از طریق برگزاری آزمون‌های نهایی و اعمال تأثیر قطعی سوابق در نمره نهایی کنکور دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه همه‌جانبه هر کشور با توسعه علمی و فناوری آن گره خورده و آموزش عالی، مهم‌ترین ابزار توسعه علمی و فناوری تلقی می‌شود. دانشجویان یکی از مهم‌ترین عناصر فلسفه وجودی آموزش عالی هستند؛ بنابراین لازم است هنگام پذیرش و قبل از ورود دانشجویان به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، توانایی‌ها، نگرش‌ها و ظرفیت‌های آنان به‌طور دقیق موردسنجش قرار گرفته و آنان به روش‌های مناسبی جذب آموزش عالی شوند، چراکه پذیرش دانشجو بدون برنامه‌ریزی علمی و دقیق و بدون توجه به استعداد، توانایی، ظرفیت و علاقه آنان، به‌صورت احساس سرخوردگی و عدم انگیزش تحصیلی در آنان بروز خواهد نمود. مسئله انتخاب شایسته‌ترین افراد از میان متقاضیان ورود به مؤسسات آموزش عالی به‌ویژه در رشته‌های پرتعداد باعث ایجاد حساسیت بالایی نسبت به عملکرد آموزش عالی در عامه مردم و دولت شده است. شناسایی داوطلبان باانگیزه، مستعد، توانمند و برخوردار از سلامت جسمانی و روانی مناسب ازجمله مسائل مهم در کیفیت ورودی‌های دانشگاه‌ها است (نبوی، ۱۳۹۸). همه توقع دارند تا با فرایندی کاملاً مناسب مستعدترین و توانمندترین داوطلبان جذب مراکز دانشگاهی شوند تا هدف‌های متعالی آموزش عالی به‌آسانی محقق گردد. این امر به‌اندازه‌ای مهم و جدی است که موجب می‌شود تا شیوه‌های پذیرش دانشجو در آموزش عالی کشورمان همواره موردبررسی و مداخله قرار گیرد تا صحیح‌ترین و مناسب‌ترین شکل و محتوا را به دست آورد (باقری خواه و دیگران، ۱۳۹۰). در شرایط فعلی گزینش دانشجو در نظام آموزش عالی کشور، از طریق آزمون‌هایی که هر ساله به‌صورت متمرکز و سراسری، توسط سازمان سنجش با عنوان کنکور برگزار می‌شود و اعمال ۵۰ درصدی سابقه تحصیلی به‌صورت قطعی انجام می‌پذیرد. به دلیل همین حساسیت، این پژوهش بر اساس واکاوی نگرش ذی‌نفعان مختلف (معلمان، والدین، دانش‌آموزان) نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجویان صورت گرفت.

در بررسی نگرش معلمان مدارس نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها چهار مقوله کلی و ۱۰ مقوله فرعی شناسایی شد. مقوله اول **پیامدهای منفی استفاده از سوابق تحصیلی** بود که سه مقوله فرعی **بالارفتن اضطراب، رقابت منفی و فشار اقتصادی** را شامل می‌شد. یافته‌های پژوهش در این بُعد با نتایج مطالعات فتح تبار فیروزجائی و همکاران (۱۴۰۰)، فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، یوسفزاده و همکاران (۱۳۹۲)، سبحانی و شهیدی (۱۳۸۶)، معتمدی (۱۳۸۵)، یارمحمدیان و همکاران (۱۳۸۴)، معتمدی (۱۳۸۲)، تلگینی و همکاران (۱۳۸۱) و Çirak (2016) همسو است. مقوله دوم **بهبود فرایند یاددهی - یادگیری** بود که این بعد سه مقوله فرعی **بهبود روش تدریس، تغییر روش‌های سنجش کلاسی و ارتقای کیفیت یادگیری** در برمی‌گرفت. یافته‌های پژوهش در بُعد بهبود فرایند یاددهی - یادگیری با مطالعه یوسفزاده و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگ است. در مقوله سوم که **برقراری عدالت آموزشی** بود، دو مقوله فرعی **برقراری عدالت تحصیلی و بالارفتن نسبت قبولی در مدارس دولتی** قرار داشت. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مشخص شد که تاکنون هیچ پژوهشی برقراری عدالت آموزشی از طریق استفاده از سوابق تحصیلی در گزینش متقاضیان دانشگاه‌ها را مورد ارزیابی قرار نداده است. نهایتاً مقوله قابل‌اتکا بودن سوابق تحصیلی نیز شامل دو مقوله فرعی **تفکیک علمی دانش‌آموزان و بالارفتن اعتبار نمره امتحان** بود. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مشخص شد که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه قابل‌اتکا بودن سوابق تحصیلی انجام نشده است. نتایج بخش کمی پژوهش هم نشان داد که بنا بر نظر معلمان اعمال سوابق تحصیلی می‌تواند توانایی‌های شناختی و یادگیری دانش‌آموزان را ارتقا دهد، ولی این شیوه کمترین اثر را بر وضعیت پرورشی و تربیتی دانش‌آموزان دارد؛ یعنی پررنگ کردن سوابق تحصیلی در دوره متوسطه دوم

نمی‌تواند موجب تقویت سایر ساحت‌های شش‌گانه شود. علاوه بر این معلمان مرد نسبت به معلمان زن به‌طور معناداری نگرش مثبت‌تری نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در نمره کنکور دانش‌آموزان داشتند؛ هرچه سطح تحصیلات معلمان بالاتر بود نگرش آن‌ها نسبت به اعمال سوابق تحصیلی مثبت‌تر بود؛ بین نگرش معلمان با سواد سنجش متوسط و سواد سنجش بالا نسبت به استفاده از سوابق تفاوت معناداری وجود داشت. نتایج پژوهش یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان طرح حذف کنکور به میزان زیاد منجر به جذب دانشجویان مستعد، تعمیق یادگیری، کاهش فشارهای روانی و استرس و اضطراب، کاهش هزینه‌های اقتصادی داوطلبان می‌شود و از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان جایگزینی سوابق تحصیلی در حد کم عادلانه است.

بررسی نگرش والدین نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها منتج به شناسایی سه مقوله کلی و هفت مقوله فرعی شد. مقوله کلی پیامدهای منفی استفاده از سوابق تحصیلی شامل دو مقوله فرعی فشار اقتصادی و فشار روانی بود. یافته‌های پژوهش در بُعد پیامدهای منفی استفاده از سوابق تحصیلی با نتایج مطالعات فتح تبار فیروزجائی و همکاران (۱۴۰۰)، فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، سبجانی و شهیدی (۱۳۸۶)، معتمدی (۱۳۸۵)، یارمحمدیان و همکاران (۱۳۸۴)، معتمدی (۱۳۸۲)، تلگینی و همکاران (۱۳۸۱) و Çirak (2016) هم‌راستا است. مقوله کلی برقراری عدالت آموزشی شامل دو مقوله فرعی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان مناطق محروم و امکان قبولی در دانشگاه با تلاش و مطالعه بود. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مشخص شد که تاکنون هیچ پژوهشی برقراری عدالت آموزشی از طریق استفاده از سوابق تحصیلی در گزینش متقاضیان دانشگاه‌ها را مورد ارزیابی قرار نداده است. مقوله کلی بهبود یادگیری شامل سه مقوله فرعی یادگیری عمیق مطالب درسی، مشخص‌شدن نقاط ضعف و بهادادن به تمام دروس است. یافته‌های پژوهش در بُعد بهبود یادگیری با نتایج مطالعه یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگ است. نتایج کمی نیز حاکی از آن بود که به‌طور کلی والدین نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در پذیرش دانشگاه نگرش منفی دارند. علاوه بر این مادران نسبت به پدران به‌طور معنادار نگرش منفی‌تری نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در نمره کنکور دانش‌آموزان داشتند.

در بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها سه مقوله کلی و شش مقوله فرعی استخراج شد. اولین مقوله‌ای که دانش‌آموزان بدان اشاره داشتند، فشار اقتصادی مضاعف بود که دو مقوله هزینه آمادگی برای امتحان نهایی و هزینه آمادگی برای کنکور را شامل می‌شد. یافته‌های پژوهش در بُعد فشار اقتصادی مضاعف با نتیجه مطالعه یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگ است. دومین مقوله اصلی فشار روانی نام گرفت. این بعد شامل دو مقوله فرعی بالارفتن اضطراب خانواده و بالارفتن اضطراب دانش‌آموزان بود. یافته‌های پژوهش در بُعد فشار روانی با یافته‌های مطالعات فتح تبار فیروزجائی و همکاران (۱۴۰۰)، فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، سبجانی و شهیدی (۱۳۸۶)، معتمدی (۱۳۸۵)، یارمحمدیان و همکاران (۱۳۸۴)، معتمدی (۱۳۸۲)، تلگینی و همکاران (۱۳۸۱) و Çirak (2016) همسو است. سومین مقوله کلی تبعیض آموزشی بود که دو مقوله فرعی تأثیر نوع مدرسه بر روی معدل و عدم برقراری عدالت تحصیلی را در برمی‌گرفت. یافته‌های پژوهش در بُعد تبعیض آموزشی با نتایج مطالعات قنبری و همکاران (۱۳۹۹)، یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) و لئو و همکاران (2019) هم‌راستا است. بر اساس نتایج بخش کمی نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعمال سوابق تحصیلی منفی بود. همچنین در مؤلفه یادگیری شناختی و مؤلفه اقتصادی نگرش دانش‌آموزان مثبت‌تر و در مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و پرورشی - تربیتی نگرش آن‌ها منفی‌تر گزارش شد. در مؤلفه‌های یادگیری شناختی، اجتماعی و در نمره کل نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعمال سوابق تحصیلی تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و مدارس غیردولتی وجود داشت؛ دانش‌آموزان دختر به‌طور معنادار نگرش منفی‌تری نسبت به شیوه جدید برگزاری کنکور و اعمال سوابق تحصیلی از طریق برگزاری آزمون‌های نهایی و اعمال تأثیر قطعی سوابق در نمره نهایی کنکور داشتند. سبجانی و شهیدی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی و آسیب‌شناسی کنکور در ابعاد مختلف خانوادگی، روانی، علمی و شغلی و نظام تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجو پرداختند. یافته‌ها نشان

دادند ۴۳ درصد از شرکت‌کنندگان در کنکور نگرانی بسیار زیاد و ۳۰ درصد نیز در صورت قبول‌نشدن فشار روحی و ناراحتی زیادی را تجربه می‌کنند.

بررسی تفاوت نگرش دانش‌آموزان و معلمان مدارس دولتی و غیردولتی نسبت به استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان آموزش عالی نشان داد اثر متغیر نوع مدرسه برای دانش‌آموزان معنادار است. علاوه بر این نتیجه آزمون تعقیبی حاکی از آن بود در مؤلفه‌های یادگیری شناختی، اجتماعی و همچنین نمره کل نگرش نسبت به اعمال سوابق تحصیلی در بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و مدارس غیردولتی تفاوت معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به‌طور معنادار نگرش منفی‌تری نسبت به شیوه جدید برگزاری کنکور و اعمال سوابق تحصیلی از طریق برگزاری آزمون‌های نهایی و اعمال تأثیر قطعی سوابق در نمره نهایی کنکور دارند. یافته‌های پژوهش با مطالعه سلیمی و پاسالاری (۱۳۹۶) هماهنگ است. نتایج پژوهش سلیمی و پاسالاری (۱۳۹۶) نشان‌دهنده آن بود که وضعیت اجتماعی - خانوادگی و آموزشی دانش‌آموختگان با موفقیت آنان در آزمون ورودی دانشگاه‌ها رابطه دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که به ترتیب، مدت‌زمان مطالعه، عملکرد تحصیلی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان، درآمد خانواده، سبک مطالعه و وضعیت خانوادگی بیشترین تأثیر را برای موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه‌ها دارند.

فشار اقتصادی مقوله‌ای بود که توسط هر سه گروه (معلمان، والدین و دانش‌آموزان) مورد تأکید قرار گرفت. در خصوص فشار اقتصادی که به خانواده‌ها تحمیل می‌شود یکی از معلمان اظهار داشت: «از نظر من هزینه تحصیل دانش‌آموزان بیشتر شده... من خودم به دانش‌آموزانم توصیه می‌کنم که کتاب‌های کمک‌درسی بخونم... چون نگرانم که دانش‌آموزان نتونن توی امتحان نهایی خوب عمل کنن» و معلم دیگری عنوان کرد: «قبلاً خانواده‌ها فقط برای کلاس کنکور و کتاب‌های تست هزینه می‌کردن اما الآن هزینه کتاب‌های کمک‌درسی هم اضافه شده... کلاس‌های کمک‌آموزشی هم میرن بچه‌ها». یکی از والدین در خصوص بیشتر شدن هزینه‌های تحصیل فرزندش گفت: «بچه بزرگم توی مدرسه دولتی درس خوند و تنها هزینه تحصیلش، سال پیش دانشگاهی بود که توی قلم‌چی ثبت‌نامش کردم... الآن پسر کوچکم رو مدرسه غیرانتفاعی ثبت‌نام کردم... معلم خصوصی ریاضی براش گرفتم... هر کتاب کمک‌درسی رو تقریباً ۲۰۰ هزار تومان پول می‌دم ... حداقل ۱۰ برابر بچه بزرگم دارم هزینه می‌کنم». دانش‌آموزان اظهار داشتند که علاوه بر هزینه کلاس‌های کنکور و کتاب‌های تست باید برای کلاس‌های کمک‌آموزشی و کتاب‌های کمک‌درسی هم هزینه کنند که این موضوع موجب شده است هزینه‌های زیادی را به خانواده‌هایشان تحمیل کنند. یکی از آن‌ها عنوان کرد: «هزینه کتابام دو سه برابر شده... کتابا خیلی گرون هستن... واسه هر درسی باید کتاب بخرم... هزینه کتاب تست و کلاس کنکور و آزمون‌ها هم که دیگه سر به فلک کشیده». دانش‌آموز دیگری بیان کرد: «خودم احساس می‌کنم فشار زیادی دارم به خانواده‌ام وارد می‌کنم ولی نمی‌تونم کتابای کمک‌درسی رو نخرم... بدون اون کتاب‌ها احساس می‌کنم جا می‌مونم... خیلی گرون هستن». یکی از اهداف اجرای طرح تأثیر سوابق تحصیلی در سنجش و پذیرش دانشجویان - به اصطلاح مخالفان کنکور - «بریدن دست مافیای کنکور» بود تا از تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور از طریق مؤسسات کنکور و فروش کتاب‌های کمک‌آموزشی، جلوگیری کنند؛ اما با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص این موضوع، می‌توان به این نتیجه‌گیری دست پیدا کرد که نه تنها این هدف تحقق نیافته بلکه نقش این افراد و مؤسسات پررنگ‌تر و گسترده‌تر شده است.

یکی دیگر از بزرگ‌ترین ایراداتی که مخالفان کنکور سراسری به این آزمون وارد می‌کردند، بالابردن سطح اضطراب دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و همچنین وارد کردن آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیر به آن‌ها بود. نتایج پژوهش نشان داد که هر سه گروه معلمان، والدین و دانش‌آموزان بر این باور هستند که تأثیر دادن سوابق تحصیلی در سنجش و پذیرش در دانشگاه موجب افزایش فشار روانی شده است. یکی از معلمان در خصوص فشار روانی که دانش‌آموزان هنگام امتحان متحمل می‌شوند گفت: «اضطراب امتحان دانش‌آموزان به نسبت گذشته بالاتر رفته... نزدیک امتحانات اکثریت بچه‌ها حال روحی‌شون خوب نیست». معلم دیگری عنوان کرد: «استرس دانش‌آموزان بالاتر رفته... از سال اول دبیرستان دانش‌آموز دغدغه قبولی توی دانشگاه رو داره و تابستونا توی کتابخانه‌ها وقت می‌گذرونه». یکی از والدین اظهار داشت:

«نگرانی من خیلی بیشتر از قبله... توی فصل امتحاناتِ دخترم، من اضطراب می‌گیرم و روی بچه کوچکم هم تأثیر گذاشته». یکی دیگر از والدین در این خصوص عنوان کرد: «تابستون پارسال ما نتونستیم حتی یک مسافرت دوسه‌روزه ببریم... به خاطر اینکه دخترم کلاس تقویتی می‌رفت و مشاورش برنامه داده بود توی تابستون هم درس بخونه... خیلی شرایط سختیه که باید حداقل تا دو سال دیگه همین روال رو داشته باشیم». بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه مشخص شد که فشار روانی‌ای که دانش‌آموزان متحمل می‌شوند مضاعف است؛ آن‌ها به‌غیراز اینکه به خاطر امتحانات نهایی و کنکور فشار روانی زیادی را تحمل می‌کنند، شاهد بالارفتن اضطراب خانواده‌هایشان نیز هستند و به‌این‌علت که موجب سلب آرامش خانواده شده‌اند تحت‌فشار روانی بیشتری هستند. یکی از دانش‌آموزان در این خصوص گفت: «خانواده‌ام توی این ۷ ماه یک یا دو بار مهمونی گرفتن به خاطر اینکه من درس دارم... مادرم فقط برای خریدهای خونه بیرون می‌ره و همش خونه‌ست که من بتونم درس بخونم». یکی دیگر از آن‌ها عنوان کرد: «مامانم خیلی اضطراب داره... به روی خودش نیاره ولی از رفتارش می‌فهمم... کم‌طاقته... زود عصبانی می‌شه...». دانش‌آموزان در خصوص بالارفتن اضطراب خودشان اظهار کردند: «به خاطر قبولی توی دانشگاه خیلی اضطراب دارم... تمرکز من پایین اومده و نمی‌تونم خوب درس بخونم... حالم اصلاً خوب نیست و برای امتحان‌ها خیلی استرس دارم». «فکر اینکه هر ترم باید امتحان نهایی بدم حالم رو بد می‌کنه... درس می‌خونم ولی انقدر استرس دارم همش نگرانم امتحانم رو خراب کنم... خوابم و اشتها هم کم شده». نتیجه‌ای که مشخصاً از این یافته‌ها می‌توان گرفت این است که از زمان اجرایی شدن طرح تأثیر سوابق تحصیلی، یکی از اهداف مهم آن یعنی کاهش آسیب‌های روانی ناشی از کنکور، حداقل تا به الآن نه‌تنها محقق نشده حتی شاید بتوان گفت بیشتر هم شده است.

موردی که معلمان و والدین بر روی آن اتفاق‌نظر داشتند بهبود یادگیری دانش‌آموزان بود. آموزش، بیانگر هویت یک جامعه است که لازمه فرهنگ پویاست (نوروزی و رضوی، ۱۳۹۰، نقل از عزیزی و دیگران، ۱۴۰۱). بنا به تعریف آموزش فراهم آوردن فرصت‌هایی است برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند یاد بگیرند (سیف، ۱۳۹۲). این وظیفه خطیر در هر جامعه‌ای به عهده معلمان است. در اهمیت نقش معلمان همین بس که متخصصان و صاحب‌نظران معتقدند کیفیت هر نظام آموزشی درنهایت به کیفیت معلمان آن جامعه وابسته است و هیچ کشوری نمی‌تواند از سطح معلمانش فراتر رود (سرکارآرانی، ۱۳۸۹، نقل از دیبایی صابر، ۱۳۹۷). معلمان بر این باور بودند از زمانی که نمره امتحانات نهایی بر روی قبولی در دانشگاه تأثیر داده می‌شود آن‌ها سعی کرده‌اند که روش‌های تدریس خود را بهبود بخشند. به‌طور نمونه یکی از معلمان عنوان کرد: «چون بچه‌ها خودشون می‌خواستن زمان زیادی باهاشون تست کار می‌کردم... الآن بیشتر وقتم به درس‌دادن می‌گذره و بچه‌ها هم همین رو می‌خوان» یا معلم دیگری اظهار داشت: «درس من چون توی کنکور نبود بچه‌ها اهمیت نمی‌دادن... منم زیاد انرژی صرف نمی‌کردم... چون نمی‌خواستم به‌زور مجبورشون کنم... اما الآن خیلی به تدریس اهمیت میدم... سعی می‌کنم طوری درس بدم که بچه‌ها حوصله‌شون سر نره و خوب درس رو یاد بگیرن». علاوه بر این معلمان بیان کردند که در شیوه‌های سنجش کلاسی‌شان نیز تغییرات مثبتی ایجاد کرده‌اند: «از وقتی که سوابق تحصیلی توی کنکور تأثیر داره من خیلی بیشتر به طراحی سؤال دقت می‌کنم و سعی می‌کنم خیلی تخصصی‌تر توی این زمینه عمل کنم». «بیشتر از قبل از دانش‌آموزان امتحان می‌گیرم ولی از روش‌هایی استفاده می‌کنم که بچه‌ها زده نشن و استرس امتحان نداشته باشن». معلمان معتقد بودند که در نتیجه بهبود فرایند تدریس و سنجش، کیفیت یادگیری دانش‌آموزان هم ارتقا یافته است؛ یکی از آن‌ها چنین بیان کرد: «دانش‌آموزان برای بالابردن نمره امتحان نهایی، به‌جای تست‌زنی بر درک مطالب درسی متمرکز شدن و در نتیجه کیفیت [یادگیری] مورد سنجش قرار می‌گیره». نگرش والدین هم در این خصوص با معلمان همسو بود. چند نفر از آنان این‌گونه عنوان کردند: «من با پسر من درس‌هایش رو کار می‌کنم... امسال خیلی باهام همکاری می‌کنه توی یادگرفتن مطالب... قبلاً دل به درس خوندن نمی‌داد و فقط درساش رو حفظ می‌کرد». «پسر من امسال برای بار اول در طول ترم درس خوند... قبلاً شب امتحانی بود و فقط برای امتحان می‌خوند» و «نتیجه امتحان نهایی نشون می‌ده که بچه من دقیقاً توی چه درسی ضعف داره و باید بیشتر تلاش کنه».

لازم به ذکر است که دانش‌آموزان در مصاحبه‌های انجام‌شده اشاره‌ای به بهبود یادگیری نکردند. البته نتایج تحلیل کمی حاکی از آن بود که آن‌ها نسبت به مؤلفه شناختی نگرش مثبت‌تری داشتند. این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که شاید چون دانش‌آموزانی که داوطلب شرکت در کنکور هستند به اندازه‌ای درگیر اضطراب و فشار روانی قبولی در دانشگاه هستند که توانایی تحلیل درست شرایط فعلی را ندارند و اگر آن‌گونه که معلمان و والدین معتقدند آن‌ها بیشتر از قبل به درس اهمیت می‌دهند و در امتحانات عملکرد بهتری دارند، این تغییر با هدف قبولی در دانشگاه و نه لزوماً یادگیری بهتر مطالب درسی صورت گرفته است؛ بنابراین در اینجا هم به این موضوع باز می‌گردیم که دغدغه دانشجویان نسبت به سابق تغییر نکرده است و فقط نقطه تمرکز آن‌ها که قبلاً فقط بر روی تست بود اکنون به کتاب‌های درسی و البته کمک‌درسی هم گسترش یافته است؛ لکن باز هم با هدف قبولی در دانشگاه. البته نمی‌توان از این موضوع به عنوان نقطه ضعف یاد کرد، اما باید توجه داشت که هدف اصلی اجرایی کردن طرح حاضر این بود که تمرکز و دغدغه دانش‌آموزان را روی کنکور کم کرده و در عوض توجه و علاقه آنان را به درس‌هایی که در مدرسه تحصیل می‌کنند، معطوف نمایند. مورد دیگری که معلمان در مصاحبه‌ها به آن اشاره کردند «تفکیک علمی دانش‌آموزان» بود. آن‌ها این‌گونه اظهار کردند: «سابقه تحصیلی بهتر از کنکور می‌تونه سطح علمی داوطلب رو نشون بده... من توی سال‌های تدریسم کم ندیدم بچه‌های زرنگی که پشت کنکور موندن و برعکس» و «قبولی توی کنکور فقط نیاز به دانش نداره مهارت هم می‌خواد... اما امتحان نهایی این‌طوری نیست... دانش‌آموزی که درس می‌خونه حتماً نمره‌ش بالا می‌شه». برخی از متخصصان بر این باورند که آزمون کنکور به علت ماهیت تستی بودن آن، توانایی اندازه‌گیری سطوح بالای دانش را ندارد و فقط دانش سطحی داوطلبان را می‌سنجد. در مقابل آزمون‌های تشریحی می‌توانند سطوح بالای شناختی از قبیل به کار بستن، تحلیل یا حتی ارزیابی را مورد سنجش قرار دهند؛ بنابراین با استفاده از امتحانات نهایی می‌توان سنجش جامع‌تری از دانشجو به عمل آورد (نقل از ذوالفقارنسب و دیگران، ۱۳۹۶).

مقوله عدالت آموزشی از دو جنبه مثبت و منفی (برقراری عدالت آموزشی و بی‌عدالتی آموزشی) توسط اعضای نمونه مطرح شد. از دیدگاه معلمان و والدین به موجب تأثیر سوابق تحصیلی در سنجش و پذیرش موجب برقراری عدالت آموزشی شده است، در حالی که دانش‌آموزان معتقد بودند که تأثیر سوابق تحصیلی بی‌عدالتی در آموزش را در پی داشته و تفاوت‌های اقشار مختلف اقتصادی را پررنگ‌تر کرده است. برخی از اظهارات معلمان به این شرح بود: «این قانون به نفع دانش‌آموزان مناطق محرومه... قبلاً هرچقدر هم تلاش می‌کردن نمی‌تونستن به پای دانش‌آموزان مرفه و البته درس‌خون شهرهای بزرگ برس»؛ «این فرایند به نفع دانش‌آموزان مدارس دولتی... تفاوت بین مدارس دولتی و غیردولتی کمتر می‌شه»؛ «من توی مدرسه دولتی تدریس می‌کنم... نسبت قبولی دانش‌آموزان موندن بالاتر رفته». یکی از والدین در خصوص بالارفتن شانس قبولی مناطق محروم این‌گونه بیان کرد: «از پارسال که استان خوزستان بالاتر اومده خیلی امیدوار شدم که پسر من بتونه پزشکی دانشگاه دولتی قبول بشه». یکی دیگر از والدین عنوان کرد: «با اجرایی شدن این قانون دختر من نسبت قبل بیشتر درس می‌خونه و می‌گه حتماً می‌تونه یک دانشگاه خوب قبول بشه». یکی برخی از والدین با اعتقاد به اینکه با اجرای طرح جدید دانش‌آموزان می‌توانند با اتکا به تلاش خودشان در دانشگاه قبول شوند، گفتند: «به نظر من این قانون باعث می‌شه بچه‌ها نتیجه زحماتشون رو ببینن... قبلاً فقط با درس خوندن نمی‌شد توی کنکور قبول شد... ولی الان دیگه اون‌طوری نیست» و «اصلاً دیگه نگران این نیستم که دختر من توی مدرسه دولتی درس می‌خونه... این ترم معدلش بالا شد و مطمئنم دانشگاه قبول می‌شه».

اما همان‌طور که گفته شد دانش‌آموزان برعکس نظر معلمان و والدین اعتقاد داشتند داوطلبانی که در مدارس خاص تحصیل کرده‌اند شانس بیشتری برای قبولی در دانشگاه دارند و تأثیر دادن سوابق تحصیلی در سنجش و پذیرش موجب بی‌عدالتی شده است. برخی از آن‌ها این‌گونه بیان کردند: «من اصلاً به قبولی توی کنکور امیدوار نیستم... باوجود اینکه خیلی زحمت کشیدم ولی این ترم معدل ۱۹/۷۳ شد، فقط به خاطر اینکه توی مدرسه معلمای خوبی ندارم... حتی اگر تا دیپلم معدل ۲۰ بشه که نمی‌شه باز هم جبران نمی‌شه»؛ «من توی مدرسه دولتی درس می‌خونم و نسبت به دختر

همکار پدرم که غیرانتفاعی می‌ره باوجود تلاش بیشتر معدلم پایین‌تره... سیستم آموزشی‌شون فرق می‌کنه... براشون کلاسی آمادگی می‌دارن... باهاشون کتابای کمک‌درسی کار می‌کنن ولی من فقط خودم تلاش می‌کنم و نتیجه کمتری می‌گیرم»؛ «واقعاً ناعادلانه‌ست که سابقه تحصیلی توی قبولی دانشگاه تأثیر داشته باشه... شاید من توی یکی از امتحان‌های نهایی مشکلی برام پیش بیاد و نتونم خوب امتحان بدم»؛ «من اگر کتاب‌های کمک‌درسی نمی‌خوندم و کلاس تقویتی نمی‌رفتم معدلم ۱۹/۹۶ نمی‌شد... نمی‌دونم اونایی که نمی‌تونن کلاس برن و کتاب بخون چکار می‌کنن!». نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بر روی تأثیر طبقات اجتماعی - اقتصادی مختلف در پذیرش دانشجویان از طریق آزمون سراسری کنکور نشان داد که برای طبقات مختلف فرصت برابر وجود ندارد (قنبری و دیگران، ۱۳۹۹؛ جمالی، ۱۳۹۱). بخشی از این نابرابری به علت برخورداری برخی طبقات اجتماعی و بخشی نیز به دلیل وجود سهمیه‌ها و امتیازاتی بود که در گذشته برای برخی طبقات اجتماعی وجود داشت. پیامدهایی که چنین رویه‌ای به دنبال دارد این است افرادی به دانشگاه‌ها وارد می‌شدند که توانایی و دانش کافی ندارند و در مقابل افراد توانمند زیادی پشت کنکور می‌مانند. این موضوع موجب ایجاد بی‌اعتمادی در میان مردم نسبت به خط‌مشی‌گذاران و ایجاد شکاف اجتماعی در جامعه شده است. درحالی‌که دانشگاه یک نهاد علم‌محور و تخصصی است و نباید بخشی از فرایندهای سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته شود (حلاج دهقانی و دیگران، ۱۳۹۸).

نتایج تحلیل کمی حاکی از آن بود که برخلاف معلمان، والدین و دانش‌آموزان با تأثیر قطعی سوابق تحصیلی در سنجش و پذیرش در دانشگاه مخالف هستند. در این زمینه نظرسنجی‌هایی به عمل آمده است که نتایج آن با یافته پژوهش حاضر هم‌راستا است. ازجمله طبق نظرسنجی سازمان سنجش، ۸۵ درصد داوطلبان مخالف تأثیر قطعی هستند. همچنین در نظرسنجی صداوسیما ۸۱ درصد داوطلبان با تأثیر قطعی معدل مخالف هستند. حتی داوطلبانی که معدل ۱۹ دارند معتقدند با اجرای این سیاست، امکان حضور در رشته‌های پرطرفدار رشته پزشکی از آن‌ها سلب می‌شود. سایر داوطلبان نیز معتقدند که با تأثیر قطعی معدل علاوه بر استرس کنکور، استرس امتحانات نهایی نیز اضافه می‌شود. عده زیادی از داوطلبان با توجه به حجم بالای تقلب، لورفتن سؤالات امتحانات نهایی و... اعتماد لازم را به فرایند سابقه تحصیلی ندارند. نارضایتی دانش‌آموزان نسبت به قبل، از فرایند پذیرش دانشگاه بیشتر شده است؛ زیرا امکان حضور بسیاری از دانش‌آموزانی که دارای معدل زیر ۱۹ هستند در رشته‌های پرطرفدار کنکور گرفته می‌شود و این مسئله، ضمن ناامیدی از راهیابی به جایگاه بالاتر اجتماعی و اقتصادی، باعث ایجاد حس تبعیض و تبعات روانی در دانش‌آموزان خواهد شد. بروز نمره‌گرایی در میان دانش‌آموزان هم به این اشاره دارد که با جایگزینی سوابق تحصیلی به جای کنکور، نمره‌گرایی در سیستم آموزشی در سه سال متوسطه دوم ایجاد می‌شود و می‌تواند تبعات خاص روانی بر دانش‌آموزان داشته باشد. از سوی دیگر می‌تواند شیوع تخلف و تقلب، رانت‌های مالی و حتی جنسی برای کسب نمره بیست ایجاد کند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸).

از دو جنبه می‌توان این موضوع را بررسی کرد که اعمال سوابق تحصیلی به‌صورت قطعی بر روی سنجش و پذیرش در دانشگاه، به ضرر دانش‌آموزان است:

موضوع مهم قبولی دانش‌آموزان در رشته‌های پرطرفدار علی‌الخصوص سه رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی است. در حال حاضر آخرین رتبه‌ای که می‌تواند در منطقه ۲ در یکی از این رشته‌های سه‌گانه قبول شود، رتبه ۳۰۰۰ است. با تأثیر قطعی ۶۰ درصدی سابقه تحصیلی بر روی رتبه کنکور ۳۰۰۰، اگر معدل دانش‌آموزی ۲۰ باشد، رتبه ۳۰۰۰ او حفظ خواهد شد. اگر معدل فرد ۱۹ باشد رتبه به بالای ۴۰۰۰ تا ۴۳۰۰ می‌رسد. رتبه ۳۰۰۰ با معدل ۱۸ به ۸۰۰۰ تا ۸۴۰۰ می‌رسد. برای جبران معدل در کنکور، اگر فردی با معدل ۱۹ بخواهد رتبه کنکورش به ۳۰۰۰ برسد باید در کنکور رتبه پایین ۵۰۰ بیاورد. اگر معدل فرد ۱۸ باشد رتبه کنکور او باید در حدود ۵۰، اگر معدل فرد ۱۷ باشد رتبه کنکور او باید ۱۰ و اگر معدل فرد پایین‌تر از ۱۶ باشد، امکان قبولی وی در رشته‌های سه‌گانه خیلی کم و نزدیک به صفر است. در اینجا شاید بحث ترمیم معدل به ذهن متبادر شود. ترمیم معدل بدین‌گونه تعریف شده است که اگر معدل فرد پایین باشد،

فرصت جبران دارد و می‌تواند آن را ترمیم کند، اما در واقعیت چنین اتفاقی عملاً نمی‌افتد و ترمیم معدل آن‌قدر که در ظاهر خوب به نظر می‌آید در واقعیت این‌طور نیست. زمانی که تأثیر معدل به‌صورت قطعی و ۶۰ درصد است، معدل ۱۹/۵۰ معدل خوبی نیست و باید ترمیم شود تا جزو ۳۰۰۰ نفر برتر کنکور باشد. در حال حاضر چند هزار معدل ۲۰ پشت کنکور داریم. معدل ۲۰ قابل ترمیم نیست، بنابراین فردی که معدلش ۲۰ است با تأثیر ۶۰ درصدی در حالت طبیعی از چند هزار نفر عقب است. در آزمون سراسری سال ۱۳۹۹، ۲۵۰۰۰ نفر معدل بین ۱۹/۵۰ تا ۲۰ وجود داشت. از این ۲۵۰۰۰ هزار نفر بر فرض محال اگر ۲۰۰۰۰ هزار نفر تا امسال قبول شده باشند، هنوز هم ۵۰۰۰ نفر باقی مانده‌اند؛ در نتیجه موضوع ترمیم معدل هم در اینجا نمی‌تواند کمکی به دانش‌آموز کند.

موضوع دیگر تفاوت در دامنه نمرات امتحان نهایی و کنکور است. دامنه نمرات کنکور از ۳۳- تا ۱۰۰ و دامنه نمرات امتحان نهایی از ۰ تا ۲۰ است. نتیجه کنار هم گذاشتن این دو دامنه نمره این می‌شود که برای هر فرد نتیجه امتحان نهایی همیشه پایین‌تر از نتیجه کنکور او است. به‌زعم رئیس سابق و اسبق سازمان سنجش آقایان پورعباس و خدایی، تراز ۲۰ نهایتاً ۱۰۰۰۰ و تراز ۹۰ درصد یک درس سخت در کنکور ۱۴۰۰۰ می‌شود؛ بنابراین کسی که در درس زیست‌شناسی نمره ۲۰ دارد، نمره ترازش ۱۰۰۰۰ است. اگر این فرد در کنکور درس زیست‌شناسی را ۹۰ درصد بزند ترازش ۱۴۰۰۰ می‌شود. با تأثیر ۶۰ درصدی سابقه تحصیلی تراز ۱۰۰۰۰ او به ۶۰۰۰ و با تأثیر ۴۰ درصدی کنکور تراز ۱۴۰۰۰ به ۵۶۰۰ می‌رسد که مجموع هر دو می‌شود تراز ۱۱۶۰۰. با این شرایط دانش‌آموزی که از رشته ریاضی برای کنکور پزشکی به تجربی آمده است و در درس زیست‌شناسی نمره ندارد، حتی اگر در کنکور درس زیست‌شناسی را بالای ۹۰ درصد بزند، تکلیفش چه می‌شود؟! دانش‌آموزان از سال ۱۴۰۴ به هم‌راستایی رشته تحصیلی و گروه آزمایشی در کنکور مکلف می‌شوند، شکاف امسال و سال‌های قبل چگونه پر خواهد شد؟!

با توجه به یافته‌های این پژوهش در خصوص نگرش معلمان، والدین و مهم‌تر از همه دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود متخصصان صاحب‌نظر نسبت به یافته‌ها باز عمل کرده و فارغ از مکان خدمت سازمانی خود بدون سوگیری، نسبت به اصلاح این شیوه یا میزان تأثیر مثبت یا قطعی نمرات سوابق تحصیلی اقدام کنند. علاوه بر این، هرچند که استفاده از سوابق تحصیلی می‌تواند تا حدودی نگاه و تمرکز دانش‌آموزان را به سمت‌وسوی کتاب‌های درسی و تحقق برخی از اهداف سند بنیادین آموزش و پرورش معطوف کند، ولی نگرش‌های خانواده‌ها و دانش‌آموزان نسبت به این شیوه برگزاری و این روند مثبت نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود جهت افزایش روایی ملاکی و روایی پیش‌بین آزمون‌های نهایی و سوابق تحصیلی، دانش‌آموزان و خانواده‌ها نسبت به مزایای این شیوه آگاه شوند و تبیین‌های لازم توسط مسئولین امر و رسانه‌ها صورت پذیرد.

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان: نویسنده اول و مسئول ۴۰ درصد، نویسنده دوم ۳۰ درصد و نویسنده سوم ۳۰ درصد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی ارتباط با صنعت و جامعه با عنوان «چالش‌های علمی و عملی استفاده از سوابق تحصیلی در سنجش متقاضیان ورود به آموزش عالی» به شماره قرارداد ۱۰۷۸۰۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ با حمایت سازمان سنجش آموزش کشور است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت ام. (۱۹۹۸). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی (۱۳۸۵). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باقری خواه، زهرا؛ عارفی، محبوبه و جمالی، احسان. (۱۳۹۰). وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیئت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۶ (۲)، ۱۱۱-۱۳۶. <https://sid.ir/paper/404369/fa>
- پلاتو کلارک، ویکی آل و کرسول، جان دبلیو. (۲۰۱۵). روش تحقیق. ترجمه مهدی وفاپی زاده (۱۳۹۹). تهران: نشر زرین اندیشمند.
- تلگینی، محمود؛ هانی طبایی زواره، فاطمه؛ حاتم زاده، لیلی و ارتفاعی، اشکان. (۱۳۸۱). مشکلات کنکور/از دید دانش‌آموزان. مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۲۹-۶۱.
- تیلور، کاترین اس. (۲۰۱۳). *روایی و رواسازی*. ترجمه جلیل یونسی (۱۳۹۸). تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی. <https://doi.org/10.1093/acprof:osobl/9780199791040.001.0001>
- جاودانی، حمید. (۱۳۸۶). *بررسی راه‌های افزایش دستیابی به آموزش عالی*. جلد اول، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- جمالی، احسان. (۱۳۹۱). روند تأثیر موقعیت اجتماعی و اقتصادی بر عملکرد تحصیلی داوطلبان آزمون سراسری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸. *آموزش عالی ایران*، ۴ (۴)، ۵۶-۲۵. <http://ihej.r/article-1-618-fa.html>
- حلاج دهقانی، عادل؛ فتاحی واجارگاه، کورش؛ خسروی، اکبر و پوشنه، کامییز. (۱۳۹۸). ارائه الگوی مطلوب جذب دانشجویان خارجی در دانشگاه آزاد اسلامی. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۰ (۲۰)، ۳۹-۷. <https://dori.et/dor/20.1001.1.25382241.1398.10.20.2.2>
- دلاور، علی. (۱۳۹۳). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: نظر رشد.
- دیبايي صابر، محسن. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه توسعه شایستگی حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه با اثربخشی آنان در فرایند یاددهی - یادگیری دانش‌آموزان. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۴ (۶)، ۲۳-۱. https://itt.cfu.ac.ir/article_970.html
- ذوالفقارنسب، سلیمان؛ محمدی، رضا و حاتمی، جواد. (۱۳۹۶). رده‌بندی شناختی سؤالات بر اساس الگوی توان - پیچیدگی مطالعه موردی: سؤالات آزمون آزمایشی حساب دیفرانسیل. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۱ (۳۹)، ۷۴-۴۷. <https://doi.org/10.22034/jiera.2018.61672>
- سبحانی، عبدالرضا و شهیدی، مهرداد. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو. *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، ۲۱ (۱۳)، ۱۸۱-۱۶۱. <https://sid.r/paper/127608/en>
- سلیمی، جمال و پاسالاری، حامد. (۱۳۹۶). نقش ویژگی‌های اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموختگان دبیرستانی استان هرمزگان در موفقیت آنان در آزمون ورودی دانشگاه‌ها. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۷ (۱۸)، ۹۱-۱۲۵. https://jresearch.sanjesh.org/article_26969.html?lang=fa
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). *روانشناسی پرورشی نوین*. تهران: نشر دوران.
- صادقی، میثم؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا؛ دلاور، علی؛ فرخی، نورعلی و جمالی، احسان. (۱۳۹۸). تأثیر مدل وزن‌دهی بر نمره کل‌سازی سوابق تحصیلی و رتبه‌بندی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۹ (۳۵)، ۱۸-۱. <https://doi.org/10.22054/jem.2018.27361.1655>
- عزیزی، یعقوب؛ سالاری، مصطفی و خدارحمی، مریم. (۱۴۰۱). بررسی عامل بازدارنده اخلاق حرفه‌ای معلمان در فرایند یاددهی - یادگیری، از دیدگاه دانش‌آموزان دبیرستانی پسر شهر تهران سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۸ (۱۴)، ۲۲۸-۲۱۱. https://itt.cfu.ac.ir/article_2731.html
- فتح تبار فیروزجانی، کاظم؛ شجاعتی، علی؛ شهرام، ایمان و خادمی، فاطمه. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری و ارائه راهکاری جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو (مطالعه تطبیقی). *پژوهش‌های تربیتی*، ۸ (۴۲)، ۷۷-۴۹. <http://dx.doi.org/10.52547/erj.8.42.49>
- فتح‌آبادی، جلیل؛ شلانی، بیتا و صادقی، سعید. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی. *روانشناسی فرهنگی*، ۱ (۲)، ۷۱-۴۹. <https://dori.net/dor/20.1001.1.25887211.1396.1.2.3.2>
- فریدونی، سمیه. (۱۴۰۲). *گزارش میز تخصصی الزامات اجرایی‌سازی مصوبه سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان متوسطه)*. وزارت علوم تحقیقات و فناوری: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- قنبری، امین؛ عباسی، طیبه و امیری، مجتبی. (۱۳۹۹). ارزشیابی خط‌مشی نحوه پذیرش دانشجو در ایران از منظر عدالت. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۶ (۲)، ۹۵-۱۱۴. <https://www.magiran.com/p2377330>

- قورچیان، نادر قلی و صاحب‌الزمانی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی شیوه گزینش دانشجو در کشور به‌منظور ارائه مدل بهینه. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۱۷ (۴)، ۳۹-۲۵. https://journals.srbiau.ac.ir/article_6020.html
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه جمعی از مؤلفان زیر نظر احمدرضا نصر اصفهانی. تهران: نشر سمت.
- مجته‌دی، زهرا. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موفقیت در دانشگاه. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۵، ۱۲۳-۱۴۶. https://journal.irphe.ac.ir/article_711513.html#:~:text=10.22034/IRPHE.1994.711513
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری. (۱۳۹۸). <https://css.iriho.ir>
- معمودی، عبدالله. (۱۳۸۲). *اثرات کنکور بر شرایط روانی راه‌یافتگان به دانشگاه*. مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی.
- معمودی، عبدالله. (۱۳۸۵). تأثیر کنکور بر سلامت عمومی، عزت‌نفس و نشانه‌های اختلالات روانی راه‌نیافتگان به دانشگاه. *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲ (۲)، ۵۴-۷۲. https://journal.irphe.ac.ir/article_702533.html?lang=fa
- موسوی، سید جلال؛ اسدپور، مجید و سوزنچی کاشانی، ابراهیم. (۱۴۰۳). شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو: پیامدها برای مدرسه، خانواده و دانشگاه. *آموزش عالی ایران*، ۱۵ (۳)، ۲۰-۴۲. <http://ihej.ir/article-1-2018-fa.html>
- نبوی، سید صادق. (۱۳۹۸). واکاوی و تحلیل فرایند پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان به‌منظور ارائه الگو. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۸ (۵)، ۱۲۷-۱۵۲. https://itt.cfu.ac.ir/article_1162.html?lang=fa
- یارمحمدیان، احمد؛ سهرابی، نادره و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه تأثیر کنکور بر وضعیت روانی و شخصیتی راه‌یافتگان و راه‌نیافتگان به دانشگاه و خانواده‌های آنان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱ (۲ و ۳)، ۱۲۳-۱۴۰. <https://doi.org/10.22051/psy.2005.1665>
- یوسف‌زاده، محمدرضا؛ چوسری، محمد؛ گنجی نیک، فرشته و خرم‌آبادی، یدالله. (۱۳۹۲). پیامدهای طرح حذف کنکور از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی شهر همدان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹. *پژوهش علوم انسانی*، ۱۲ (۳۰)، ۱۰۳-۱۱۷. <https://www.magiran.com/p1143488>
- یونسی، جلیل. (۱۴۰۲). *راهنمای کاربردی ابزارسازی در علوم رفتاری و روان‌شناختی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. <https://book.atu.ac.ir/>

References

- Azizi, Y., Salari, M., & Khodarahmy, M. (2023). Investigating the deterrent factors in teachers' professional ethics throughout the teaching-learning process from the perspective of male high school students in Tehran during the 2020-2021 academic year. *Theory and Practice in Teachers Education*, 8(14), 211-228. [In Persian]
- Bradburn, N. M., Sudman, S., & Wansink, B. (2004). *Asking questions: The definitive guide to questionnaire design—for market research, political polls, and social and health questionnaires* (Rev. ed.). John Wiley & Sons. <https://www.wiley.com/en-us/Asking+Questions%3A+The+Definitive+Guide+to+Questionnaire+Design+--+For+Market+Research%2C+Political+Polls%2C+and+Social+and+Health+Questionnaires%2C+2nd%2C+Revised+Edition-p-9781119214762>
- Çirak, Y. (2016). University entrance exams from the perspective of senior high school students. *Journal of Education and Training Studies*, 4(9), 177-185. <https://doi.org/10.11114/jets.v4i9.1773>
- Creswell, J. W., Clark, V. L. P., Gutmann, M. L., & Hanson, W. E. (2003). Advanced mixed. In A. Tashakkori & C. Teddlie (Eds.), *Handbook of mixed methods in social & behavioral research* (pp. 209-240). Sage.
- Delavar, A. (2014). *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*. Samt Press. [In Persian]
- Dibaei Saber, M. (2018). Analysis of the relationship between professional competence development of high school teachers with their effectiveness in teaching-student learning process. *Theory and Practice in Teachers Education*, 4(6), 1-23. [In Persian]
- Fathabadi, J., Shalani, B., & Sadeghi, S. (2017). The impact of universities entrance exam on Iranian students and families. *Cultural Psychology*, 1(2), 49-71. [In Persian]
- Fathtabar Firouzjaei, K., Shojaati, A., Shahram, I., & Khademi, F. (2021). Pathology of the current situation of the student assessment and admission system in the country with a focus

- on the entrance examination and providing a solution to improve the student assessment and admission model (A comparative study). *Journal of Educational Research*, 8(42), 49–77. [In Persian]
- Fereyduni, S. (2023). *Report on the requirements for the implementation of the approved policies and criteria for organizing the assessment and admission of applicants for higher education (after high school graduation)*. Ministry of Science, Research and Technology: Institute for Research & Planning in Higher Education. [In Persian]
- Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (1996). *Educational research: An introduction* (6th ed.). Longman Publishing.
- Ghanbari, A., Abbasi, T., & Amiri, M. (2021). Comparing the views of students and faculty members on the position of procedural justice in the student selection system in Iran. *Journal of Iranian Higher Education*, 12(4), 155–183. [In Persian]
- Ghourchian, N. G., & Saheb Alzamani, M. (2005). Investigating the method of selecting students in the country in order to provide an optimal model. *Journal of Future Studies and Management*, 17(4), 25–39. [In Persian]
- Hallaj Dehghani, A., Fathi Vajargah, K., Khosravi, A. A., & Poushaneh, K. (2020). A convenient pattern for attracting foreign students in Islamic Azad University. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 10(20), 7–39. [In Persian]
- Jamali, E. (2012). The effect of social and economic status on the academic performance of Nationwide exam candidates during the years 1380 to 1388. *Journal of Iranian Higher Education*, 4(4), 25–56. [In Persian]
- Javdani, H. (2007). *Investigating ways to increase access to higher education*. Institute for Research & Planning in Higher Education Press. [In Persian]
- Liu, D., Ku, H. Y., & Morgan, T. L. (2019). The condition of poverty: A case study of low socioeconomic status on Chinese students' National College Entrance Exam and college enrolment. *Asia Pacific Journal of Education*, 39(1), 113–132. <https://doi.org/10.1080/02188791.2019.1575794>
- Moatamedi, A. (2006). The effect of university entrance examination on general health, self-esteem and psychic disorders symptom of those who were not admitted to the university. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12(2), 54–72. [In Persian]
- Mojtahedi, Z. (1994). A survey on the relationship between the current trend in the student admission and the student achievement. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 2(1), 123–146. [In Persian]
- Motamedi, A. (2003). *The effects of entrance examination on the psychological conditions of those admitted to university*. Curriculum Planning and Educational Innovation Research Institute. [In Persian]
- Mousavi, S. J., Asadpour, M., & Suzanchi Kashani, I. (2024). Identifying the challenges of student assessment and admission system: Consequences for school, family and university. *Journal of Iranian Higher Education*, 15(3), 20–42. [In Persian]
- Nabavi, S. S. (2020). Analysis of student admission process in Farhangian University to provide pattern. *Theory and Practice in Teachers Education*, 5(8), 127–152. [In Persian]
- Plano Clark, V. L., & Creswell, J. W. (2015). *Understanding research: A consumer's guide* (2nd ed.). Pearson.
- Sadeghi, M., Falsafi Nejad, M. R., Delavar, A., Farrokhi, N., & Jamali, E. (2019). The effect of weighting model on the scoring of educational background and ranking of volunteers entering universities and higher education institutions of the Iran. *Quarterly of Educational Measurement*, 10(35), 1–18. [In Persian]
- Saif, A. A. (2013). *Modern educational psychology*. Doran Press. [In Persian]
- Salimi, J., & Palarari, H. (2017). The role of social and educational characteristics of Hormozgan Province high school students on their success in university entrance exam. *Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies*, 7(18), 91–125. [In Persian]
- Sobhani, A. R., & Shahidi, M. (2007). Pathology of entrance exam in student's acceptance system. *Journal of Curriculum Planning Knowledge & Research in Educational Sciences*, 21(13), 161–181. [In Persian]
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage.
- Taylor, C. S. (2013). *Validity and validation*. Oxford University Press.

- Telgini, M., Hani Tabei Zavareh, F., Ansari Pour, M., Hatam Zadeh, L., & Ertefaei, A. (2002). Nationwide exam problems from the students' point of view. In *Articles collection of the seminar on examining the methods and issues of university entrance exams* (pp. 29–61). Isfahan University of Technology. [In Persian]
- Yarmohamedian, A., Sohrabi, N., & Oreizi, H. R. (2005). Examining and comparing the effect of entrance exam on the psychological and personality status of those who were admitted and those who were not admitted to the university and their families. *Journal of Psychological Studies*, 1(2–3), 123–140. [In Persian]
- Younsi, J. (2023). *Practical manual to instrument development in behavioral and psychological sciences*. Allameh Tabataba'i University Press. [In Persian]
- Yousefzadeh, M. R., Mohammad Ganji, F., & Khoramabadi, Y. (2013). A study on the consequences of the omission of the Iranian student entrance examination from pre-university teachers and students' perspective of Hamedan city (89-90). *Journal of Research in Humanities*, 12(30), 103–117. [In Persian]
- Zolfagharnasab, M., Mohammadi, R., & Hatami, J. (2018). Cognitive taxonomy of items based on capability-complexity model: Case study of differential calculi test items. *Journal of Research in Educational Systems*, 11(39), 47–74. [In Persian]